

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۱

موضوع: فرازی از نامه‌ی آن جناب درباره‌ی اینکه با اندیشه‌ها و آموزه‌هایش شناخته می‌شود، نه با نام و نشان.

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده‌ی صالح خداوند منصور هاشمی خراسانی، در سرآغاز نامه‌ی خود خطاب به مسلمانان پارسی، پس از ستایش خداوند و درود بر پیامبرش نوشت:

«و اما بعد.. ای گروه خردمندان! ای برادران و خواهران مسلمان! با شما درباره‌ی شما سخن می‌گویم. آیا سخنم را می‌شنوید و دل می‌سپارید یا گوش خود را می‌گیرید و ره می‌سپارید؟! به خدا سوگند اگر دشمنِ انسان برای او نامه‌ای بنویسد، او آن را با دقت می‌خواند تا بداند که دشمن او برایش چه نوشته است، در حالی که من دوست دلسوز و برادر خیرخواه شما هستم و سزاوارترم تا بدانید برای شما چه نوشته‌ام. اگر شما من را نمی‌شناسید من شما را می‌شناسم و اگر شما من را دوست نمی‌دارید من شما را دوست می‌دارم. به سخنم گوش بسپارید و نپرسید که کیستم؛ چراکه کیستیِ انسان در سخن او آشکار می‌شود و عاقل به سخن می‌نگرد نه به گوینده‌ی آن!

چه بسیار سخنِ راستی که کودکی گوید و چه بسیار سخنِ دروغی که بزرگان گویند! سخنِ راست، راست است اگر چه کودکی گوید و سخنِ دروغ، دروغ است اگر چه بزرگان گویند! از این رو، اگر سخنی را بشناسید، نشناختن گوینده‌ی آن به شما زیانی نمی‌رساند، همچنانکه اگر سخنی را نشناسید شناختن گوینده‌ی آن به شما سودی نمی‌رساند! پس به سخنم گوش بسپارید تا من را بشناسید؛ چراکه انسان در زیر زبانِ خویش پنهان است و کسی شناخته نمی‌شود تا آن گاه که به سخن در آید.

شما گوش داده نشده‌اید مگر برای شنیدن و چشم داده نشده‌اید مگر برای دیدن و عقل داده نشده‌اید مگر برای تمییز آن چه می‌شنوید و می‌بینید که کدامین راست و کدامین

ناراست است. پس سخنم را با گوش خود بشنوید و با عقل خود برسید تا اگر راست بود بپذیرید و اگر ناراست بود نپذیرید. خداوند به شما توفیق دهد؛ چراکه شیطان می‌خواهد شما نشنوید تا ندانید و ندانید تا بدبخت شوید و آیا بدبختی جز در پی نادانی است؟!

من می‌دانم کسانی که پیش از من بوده‌اند، سخن، بسیار گفته‌اند و شما را رنجانده‌اند؛ چراکه بسیاری از سخنان آنان دروغ بوده است و چیزهایی گفته‌اند که به آن دانشی نداشته‌اند و گروهی از آنان کسانی هستند که شما را نمی‌خواهند مگر برای خودهایشان و سخن نمی‌گویند مگر برای فریب. شما را به سوی حقّی فرا می‌خوانند که خود از آن بیگانه‌اند و برای شما خیری می‌خواهند که خود از آن بی‌بهره‌اند! اینان دین را تکیه‌گاهی برای قدرت و آخرت را دست‌آویزی برای دنیا کرده‌اند؛ و گرنه، نه دین را چنانکه باید می‌شناسند و نه آخرت را چنانکه شاید می‌خواهند.

اکنون من برای شما سخن می‌گویم، در حالی که نه امید قدرتی و نه طمع دنیایی دارم. یکی هستم از میان شما که مانند شما در زمین ضعیف شمرده می‌شوم و در پی برتری یافتن بر شما یا تباهی انگیختن در زمین نیستم. جز این نمی‌خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم، تا خداوند هر که را خواهد بشنوند و هر که را خواهد کر نماید و شما چه می‌دانید؟! شاید چیزهایی را دگرگون سازد و از روی چیزهایی پرده بگیرد؛ چراکه او بر هر کاری توانا و به هر چیزی داناست».



بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ رِوَايَةِ مُصَوِّرَاتِهَا بِمَنْحَى خَرِيسَانِي



بَیِّنَاتُ الْإِسْلَامِ مِنْ رِوَايَةِ مُصَوِّرَاتِهَا بِمَنْحَى خَرِيسَانِي حَفَظَهُ اللهُ تَعَالَى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.